

# بیدار شوید ای خفتگان، بیدار شوید ای مردگان!

«... بزرگان قوم یعنی علمای بی عمل و راحت طلب‌ها، با جدیت تلاش می‌کنند تا جامعه‌ای که از آنان پیروی می‌کند، بر باطل باقی بماند؛ البته پس از اینکه برای آنان این توهم را به وجود آورند که آنان بر حق‌اند و رنگشان همان رنگ صحیح است و فطرت آلوده‌شان که با نظرات باطلشان آلوده شده است، همان فطرت صحیح است؛ نه اینکه آنها کسانی هستند که بارنگ خدایی به مخالفت برخاسته‌اند!

این چنین است که علمای بی عمل در جامعه‌ای که به خواری‌اش کشانیده‌اند، قاعده و وارونه‌ای را پایه‌ریزی می‌کنند که مقیاس‌ها را وارونه می‌بینند؛ حق را باطل و باطل را حق و معروف را منکر و منکر را معروف می‌بینند.

در میدان مواجهه فرستادگان و علمای بی عمل گمراه و خوش‌گذران‌ها و جامعه‌ای که خوار و ذلیلش کرده‌اند، فرستاده فریاد برمی‌آورد تا قومش را انداز دهد، شاید آنان یاد آور شوند و روزهای خداوند را به یادشان می‌آورد تا شاید پند گیرند و با مثال‌ها به آنان پند می‌دهد تا شاید متوجه و بیدار شوند و آنان را با حکمت و آیات یاد آور می‌شود شاید هدایت شوند.»

(سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، جلد دوم، روشنگری از سخنان فرستادگان با عذاب شدگان، ص ۱۵-۱۶).

سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون | قسمت ششم

درخشش خدا از «فاران»

اعتقاد ابن میمون درباره لزوم آینده بودن زمان فعل در پیش گویی اشتباه است

تأثیر پیش فرض‌های عرفی و خرافی در شکست امتحان شناخت فرستادگان خدا با تأکید بر راهزنی غلو در امام‌شناسی

فرهنگ مهدوی، پایان فقر

زنان مشعل‌دار در کوچه پس‌کوچه‌های تاریخ

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# سوره الفجر

## فهرست

فرهنگ مهدوی، پایان فقر..... ۳

سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون  
| قسمت ششم..... ۶

زمان مشعل دار در کوچه پس کوچه های تاریخ..... ۹

تأثیر پیش فرض های عرفی و خرافی در شکست امتحان  
شناخت فرستادگان خدا با تأکید بر راهزنی غلو در  
امام شناسی..... ۱۱



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۸۵، جمعه ۲ شهریور ۱۴۰۳،  
۱۸ صفر ۱۴۴۶، ۲۳ آگوست ۲۰۲۴  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:

[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آئمتکم وعلیٰ صحبتکم  
وعلیٰ من اتبعکم الیوم الآخر

# فرهنگ مرهدوی، پایان فقر

به قلم: کاظم محمدی

یکی از اهداف اولیه دعوت یمانی، از بین بردن فقر و ایجاد زندگی شرافتمندانه برای تمام انسان‌هاست. [۱] برطرف کردن رنج و آلام مستمندان در حد شعار باقی نماند و دعوت یمانی تا آنجاکه می‌توانست در کمک به فقرا عمل‌گرایی کرده و با ایجاد مؤسسات «دارالایتام لرعاية الفقراء» و «کمک به بیماران سرطانی» در تحقق این شعار کوشش نموده است.

برای درآمد بیشتر را توجیه کند، جهل است یا بهتر است بگوییم فقر فرهنگی. یعنی حتی اگر تمدن دینی را که می‌گوید: «إِنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عِدْوَانٌ مَّتَفَاوِتَانٌ وَ سَبِيلَانٌ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاهَا وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا كَلِمًا قَرِيبٌ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَ هُمَا بَعْدُ صَرْتَانِ» [۴] «دنیا و آخرت دشمن یکدیگر و دو راه جدای از هم‌اند، هرکسی دنیا را دوست بدارد و به آن رو کند، از آخرت بدش می‌آید و با آن دشمنی کرده است. و آنها همانند مشرق و مغرب‌اند و کسی که بین آنها راه می‌رود، هر اندازه که به یکی از آنها نزدیک شود از دیگری دور می‌شود و آن دو هسو هستند.» در نظر نگیریم و کاملاً مادی به مسئله نگاه کنیم، چه توجیهی وجود دارد که انسان زندگی خود را تباه کند و شبانه‌روز به فکر ثروت‌اندوزی باشد؟ آیا به‌عنوان مثال شخص ثروتمند روزانه صد وعده غذا می‌خورد و به‌جای یک لباس پنجاه لباس روی هم می‌پوشد؟

نگارنده بی‌اطلاع نیست که ثروتمندان برای به رخ کشیدن ثروت خود، غذای لاکچری می‌خورند و صاحب خانه‌های لوکس هستند، اما این قضیه نه‌تنها به سؤال ما پاسخ نمی‌دهد، بلکه سؤال جدیدی نیز به وجود می‌آورد. ثروتمندان برای جلب‌توجه دیگران این کارها را می‌کنند که به چه چیز جدیدی برسند؟ آیا ثروت، برای آنها شخصیت به ارمغان نیآورد تا برای برطرف کردن این نقص نیازمند جلب‌نظر دیگران باشند؟

**این همان فقر فرهنگی است و دولت مهدی علیه‌السلام برای این مشکل برنامه و راه‌حل دارد. سید احمدالحسن در توضیح این راه‌حل می‌فرماید: «در دولت مهدی انسان‌ها ولو به اندازه‌ای با خدای خود عادل هستند وقتی که با عبادت و شکر و اخلاص به او توجه کنند و انسان‌ها با جامعه اطراف خود نیز به عدالت رفتار می‌کنند چراکه افراد آنچه برای خود می‌پسندند برای دیگران هم می‌پسندند؛ به عبارت دیگر اخلاق الهی که مهدی آن را منتشر می‌کند و جامعه انسانی به آن آراسته می‌گردد، بعد از اینکه فقر روحی را ریشه‌کن می‌کند باعث از بین رفتن فقر مادی می‌شود و این پدیده در سطح فرد و جامعه رخ خواهد داد. انسانی که از لحاظ روحی به غنا و بی‌نیازی رسیده، به وسیله قناعت که گنجی است تمام نشدن قطعا از نظر مادی هم غنی و بی‌نیاز است؛ چنین جامعه‌ای که از نظر روحی غنی است، با سرپرستی اجتماعی و اقتصادی، فقر مادی را از تمام اعضایش دور می‌گرداند.» [۵]**

از آنجاکه مدیریت الهی بر جامعه حاکم نیست و حاکمان غیرالهی خود بخشی از روند فساد جامعه به حساب

بدهی است هرکسی به‌اندازه توانش تکلیف دارد [۲] و از آنجاکه سید احمدالحسن و مؤسسات تابع او توان مالی گسترده‌ای ندارند، انتظار تحول چشمگیر نیز نمی‌توان از او داشت.

نظر به اینکه حداقل در زمان ما، ریشه فقر مادی نه در تولید کم و نبود سرمایه، بلکه در نحوه توزیع و گردش آن است، باید بپذیریم مهم‌ترین فقر، فقر فرهنگی است. فقر فرهنگی موجب می‌شود سرمایه در دست کسانی انباشته شود که حتی خود آنها نیز از بخش زیادی از آن بهره‌ای نمی‌برند و آن سرمایه و ثروت عملاً رها می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توانیم از بیل گیتس، مارک زاکربرگ، ایلان ماسک، جف بزوس و... نام ببریم. این عده به‌اندازه‌ای سرمایه دارند که اگر همین امروز تمام کسب و کار خود را تعطیل کنند و در عمارت‌های میلیاردی خود بنشینند، تا آخر عمر بی‌نیازند و حتی میراث بسیاری نیز برای بازماندگان خود بر جای خواهند گذاشت.

ایلان ماسک با سرمایه‌ای معادل ۲۲۲ میلیارد دلار که رو به افزایش است، اگر همین امروز دست از کار بکشد و روزی هزار دلار هزینه کند، ۲۲۲ میلیون روز یعنی ۶۰۸/۲۱۹ سال و ۶/۰۸۲ قرن بی‌نیاز است. و اگر هزینه روزانه او را ده برابر کنیم، او حدوداً ۶۱ هزار سال می‌تواند بدون کار کردن زندگی کند. و اگر روزی ۱۰۰ هزار دلار هزینه کند شش هزار سال نیازی به کار کردن ندارد. دیگر رقباى او نیز وضعیتی مشابه دارند و می‌توانند بدون کار کردن هزاران سال زندگی مرفه و بی‌دردسر داشته باشند.

این اشخاص فقط در آمریکا و تنها تعدادی از اشخاص حقیقی هستند و اگر بخواهیم تمام افراد حقیقی و حقوقی میلیاردی (به دلار) را نام ببریم، لیستی طولانی خواهد شد و اگر به این لیست میلیونرها را نیز بیفزاییم شاید برای خواننده موجب سردرد شود.

حال اگر این لیست را شامل تمام افراد توانگر کنیم و همه اشخاص و مؤسساتی را که می‌توانند از مازاد درآمد خود به دیگران کمک مالی کنند نیز در نظر بگیریم، هر وجدان بیداری به درد خواهد آمد که چرا با این مقدار از سرمایه، هنوز در جهان کسانی از فقر رنج می‌برند و حتی عده‌ای مجبور می‌شوند برای گذران زندگی حداقلی کلیه، کبد، مغز استخوان یا خون خود را به فروش بگذارند.

اگر سرمایه‌داران واقع‌بینانه بیندیشند، به این نتیجه می‌رسند این سرمایه هیچ نفع محسوسی برای آنها در پی ندارد و زندگی آنها با زندگی کسانی که یک‌هزارم سرمایه آنها را دارند نه‌تنها هیچ تفاوتی ندارد، بلکه شاید کیفیت پایین‌تری نیز داشته باشد. از نگاه نویسنده، حتی ممکن است این افراد به این خاطر که ترس از دست رفتن سرمایه و جایگاه خود را دارند، به نسبت یک کارمند عادی، استرس بیشتری خواهند داشت. [۳] تنها چیزی که می‌تواند انباشت سرمایه در این مقیاس و حرص ورزیدن

نام پدرش را می‌دانم؛ سپس بعد از آن غلیظ القصره (آن مرد فربه‌ی کوتاه‌قد) صاحب خال [برجسته] و شامتین [خال غیر برجسته] می‌آید که فرمانده، عادل، و نگهدارندهٔ چیزی است که به آن سپرده شده، زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان‌طور که ستمگران آن را پراز ظلم و جور کرده‌اند.»

نظر به اینکه حاکم الهی خود دچار فساد اقتصادی نمی‌شود، اطرافیان او نیز به تبع او از این مشکلات به دور خواهند بود و این فرهنگ به جامعه سرایت کرده و تمام جامعه به پلید بودن اختلاس و رانت حساس خواهند شد.

**به امید نزدیک بودن روزی که جامعه ما با هدایت آن مرد الهی به آیه شریفه (و یؤثرون علی انفسهم و لوکان بهم خصاصة) [۹] (دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، اگرچه خود نیازمند باشند) متصف شود.**

### منابع:

- ۱- «تقریباً سه سال گذشت. نه یاری و نه یاری‌کننده‌ای از طلبه‌های حوزه علمیه داشتیم. بلکه افرادی بودند که سخن مرا پذیرفتند و با سختم دربارهٔ فساد مالی در حوزه موافقت نمودند. از اینجا بود که حرکت اصلاحی، علیه این فساد مالی آغاز شده بود، ولی باعث اصلاح حقیقی نشد. اما باعث تغییر سیاست مالی برخی از مراجع شد. ولی در حدی نبود که بیان شود. و خوش‌گذرانی و رفاه، نزد بسیاری از این علما و افراد مرتبط با آنان باقی ماند. و در مقابل آن، جامعه نیازمندی بود که از سختی گرسنگی و بیماری بدنی و روحی درد می‌کشیدند و هیچ‌یک از آنان، برای تغییر این وضعیت دردآور تلاش نمی‌کردند.» سید احمدالحسن، خطبه ملاقات.
- ۲- انعام، ۱۵۲.
- ۳- «يَخْتَاَجُ الْمَالَ اِلَى الْخَافِظِ وَ الْعَلْمُ يَحْفَظُ صَاحِبَهُ» «مال به نگهبان نیاز دارد ولی علم صاحبش را حفظ می‌کند.» زین الدین بن علی، شهید ثانی، منیه المرید، ص ۱۱۰.
- ۴- نهج البلاغه (صیحی صالح)، ص ۴۸۶.
- ۵- سید احمدالحسن، پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۴، سوال ۳۱۲.
- ۶- «إِنَّ عِنْدَهَا لِيْلِيَهُمْ أَمْرًا جَوْرَةً وَ وُزْرًا فَسَقَةً، وَ عُرْفَاءَ ظَلَمَةً، وَ أَمْنَاءَ حَوْنَةً» «به‌راستی که در آن زمان [آخرالزمان] حاکمان ظالم و وزیران فاسق و نامداران ظالم و امین‌های خائن خواهند بود.» علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۴.
- ۷- حشر، ۷.
- ۸- علی بن موسی، ابن طاووس، إقبال الأعمال (ط \_ القديمة)، ج ۲، ص ۵۹۹-۶۰۰.
- ۹- حشر، ۹.

می‌آیند [۶] مسئله حرص و طمع بیش از حد که در تمام فرهنگ‌ها مذموم است، خودبه‌خود حل نخواهد شد؛ بلکه به سرپرستی الهی نیاز دارد تا بدین وسیله این فقر فرهنگی یا بهتر بگوییم فقر روحی ریشه‌کن شود.

قرآن می‌فرماید: **(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) [۷]** (آن غنیمتی که خداوند از اهل شهرها به پیامبرش بخشید، برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیم‌ها و مسکین‌ها و در راه ماندگان است تا چرخش بین ثروتمندان از شما نباشد؛ و آنچه را پیامبر به شما داد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد دست بکشید و از خدا بترسید که به‌درستی خدا سخت مجازات می‌کند). این آیه می‌فرماید ثروت‌های عمومی باید به دست حجت خدا باشد، و حجت خدا این ثروت را بین نیازمندان تقسیم می‌کند. موضوع بعدی این است که ثروت نباید بین ثروتمندان بچرخد و چرخش سرمایه باید در تمام لایه‌های جامعه وجود داشته باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش قشر سرمایه‌دار از ابتدا در اسلام مذموم بوده و این نه فقط یک مسئله اخلاقی است بلکه یک امر اقتصادی و حتی حکومتی است و در اسلام برای پیشگیری از به وجود آمدن سرمایه‌سالاری حکم فقهی وجود دارد. اما بهترین قانون وقتی به دست مجری باصلاحیت اجرا نشود، چیزی جز خرابی به بار نخواهد آورد.

تنها راه چاره این است که مردی را پیدا کنیم که اهل بیت علیهم‌السلام یکی از ویژگی‌های برجستهٔ ایشان را دوری از فساد اقتصادی معرفی کرده‌اند: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ..... قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَخْبَرَنِي بِمَا أُسْتَرِيحُ إِلَيْهِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَيْسَ يَرَى أُمَّهُ مُحَمَّدٌ عليه السلام فَرَجًا أَبَدًا مَا دَامَ لَوْلِدِ بَنِي فُلَانٍ مُلْكٌ حَتَّى يَنْقَرَضَ مُلْكُهُمْ فَإِذَا انْقَرَضَ مُلْكُهُمْ أَتَاخَ اللَّهُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ رَجُلًا [يَرْجُل] مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّ يُشِيرُ بِالتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهُدَى وَ لَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرَّشَا وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يَأْتِيْنَا الْعَلِيظُ الْقَصْرَةَ ذُو الْخَالِ وَ الشَّامَتَيْنِ الْقَائِمُ الْعَادِلُ الْخَافِظُ لِمَا اسْتُوْدِعَ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا الْفُجَارُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» [۸] «ابوبصیر از امام صادق عليه السلام روایت می‌کند ..... عرض کردم فدایت شوم، چیزی بگو تا جانم به‌وسیلهٔ آن آسوده شود. امام عليه السلام فرمود: ای ابامحمد برای امت محمد صلی الله علیه و آله ابدًا فرجی نخواهد بود مادامی که برای فرزندان فلان حکومتی باشد، تا اینکه مملکت آنها منقرض شود، پس اگر حکومتشان منقرض شد خداوند برای امت محمد صلی الله علیه و آله به مردی از اهل بیت تمکین می‌کند که باتقوا و به هدایت عمل می‌کند و در حکمش رشوه نمی‌گیرد. به خدا سوگند که من نامش و

سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون | قسمت ششم

# درخشش خدا از «فاران»

به قلم: یروشوع ربوبی

اعتقاد ابن میمون درباره لزوم

آینده بودن زمان فعل در

پیش‌گویی اشتباه است



**دوم.**

هرچه را از آینده دید با این نگاه که رخ خواهند داد، با زمان فعل آینده بگوید همان‌طور که یکی از حاضران به دانیال علیه السلام گفت:

«۲۴ و ده شاخ از این مملکت، ده پادشاه هستند که خواهند برخاست و [شاخ] دیگری بعد از ایشان خواهد برخاست و او مخالف اولین خواهد بود و سه پادشاه را به زیر خواهد افکند. ۲۵ و سخنان به ضد حضرت اعلی خواهد گفت و مقدسان حضرت اعلی را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمان‌ها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد.» [۲]

در نتیجه چه شد؟ اتفاقی که برای آینده رخ می‌دهد با دو زمان متفاوت فعل بیان شدند!

**• پاسخ به تحریف و تناقض گویی**

**ابن میمون در ادامه می‌گوید:**

«هنگامی که خدا می‌خواست خود را در سینا آشکار کند، نور آسمانی ناگهان مانند رعدوبرق نازل نشد، بلکه به آرامی فرود آمد و به تدریج ابتدا از بالای یک کوه، سپس از کوه دیگر ظاهر شد تا زمانی که به محل اقامت خود بر سینا رسید. این مفهوم در آیه «خداوند خود را در سینا آشکار کرد، پس از آنکه نورش از سعیر به آنها تابیده بود و از کوه فاران درخشید» آمده است. (تثنیه ۲:۳۳). پایان نقل قول.

**می‌گوییم:**

او تثنیه ۲:۳۳ را این‌گونه نقل کرده است «خداوند خود را در سینا آشکار کرد، پس از آنکه نورش از سعیر به آنها تابیده بود و از کوه فاران درخشید». این نقل از آیه که او آورده است دستخوش تحریف است؛ به متن آیه توجه کنید:

«[...] یهوه از سینا آمد، و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید. [...]»

ابن میمون در ادامه می‌گوید: «اگر خوب علامت‌گذاری کنید، عبارت «بر ایشان» به اسرائیل اشاره دارد.» پایان نقل قول.

**در این قسمت، به یکی دیگر از اشکالات موسی بن میمون بر استنادات مسلمانان خواهیم پرداخت؛ یعنی تثنیه ۲:۳۳ و خواهیم دید که آیا اشکال او ارزش علمی دارد یا خیر؟**

**• درباره افعال گذشته در پیش‌گویی‌ها**

**موسی بن میمون در ادامه گفته بود:**

«استدلال از عبارت «او از کوه فاران درخشان گردید» (تثنیه ۲:۳۳) به راحتی قابل رد است. درخشان گردید زمان فعل گذشته است. اگر کتاب مقدس از زمان آینده «او از کوه فاران درخشان خواهد شد» استفاده می‌کرد، ممکن بود فریب‌کاران، ظاهری از حقیقت را در کنار خود داشته باشند. با این حال، استفاده از زمان گذشته «او درخشان گردید» نشان می‌دهد که این عبارت رویدادی را توصیف می‌کند که روی داده است؛ یعنی ظهور خدا به انسان بر [کوه] سینا.» پایان نقل قول.

اعتقاد ابن میمون درباره لزوم آینده بودن زمان فعل در پیش‌گویی اشتباه است؛ زیرا پیش‌تر مشخص شد که خود او درباره رؤیای دانیال علیه السلام از عبارت «پیش‌گویی الهام‌شده الهی» استفاده کرد درحالی‌که افعال آن پیش‌گویی گذشته بودند:

«پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آن‌ها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش‌رویش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و دهانی داشت که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود.» [۱]

این متن که حاوی پیش‌گویی است نشان می‌دهد که دانیال علیه السلام از افعال گذشته استفاده کرده است و فرمود «از میان آنها شاخ کوچک دیگری بر خواهد آمد و پیش‌روی سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده خواهد شد!»

**برای توضیح بیشتر:**

**او می‌توانست به دو طریق پیش‌گویی را بگوید:**

**اول.**

آنچه را دید دقیق بگوید که در این صورت افعال گذشته می‌شوند همان‌گونه که در دانیال ۸:۷ می‌بینیم.



نظر ابن‌میمون می‌توانند گذشته باشند؛ چراکه وقتی نبی موضوعاتی از آینده را می‌بیند، آن‌ها را به شکلی تعریف می‌کند که اتفاق افتاده‌اند. همچنین مشخص شد به فرض درست بودن تفسیر موسی بن میمون از عبارت (بر ایشان) در متن تنبیه ۲:۳۳، یهودیان نیز در کنار سایر مذاهب و ادیان دیگر، مخاطب دعوت محمد ﷺ بودند و او برای یهودیان نیز مبعوث شد؛ پس محمد ﷺ می‌تواند مصداق درخشش خدا در فاران باشد و حتی ربطی به این ندارد که او بنی‌اسماعیلی بود!

### منابع:

- ۱- دانیال ۷:۸.
- ۲- ۲۴:۷-۲۵.
- ۳- آل‌عمران: ۶۴؛ مائده: ۱۵ و ۱۹ و ۷۷.

از کوهی به کوه دیگر فرود آمد، در توصیفی که دبوراً از عظمت اسرائیل در مکاشفه‌ای در سینا هنگامی که فریاد زد «ای خداوند، آنگاه که از سعیر بیرون رفتی، و از دیار آدوم پیش راندی، زمین به لرزه آمد و آسمان‌ها باریدن گرفت» (داوران ۴:۵) صحیح است.» پایان نقل قول.

### در پاسخ می‌گوییم:

#### اول.

تنبیه ۲:۳۳ این‌گونه نیست که ابتدا از فاران و سپس به سعیر و سینا اشاره کند، بلکه اول از سینا و دوم به طلوع و ظهور جزئی خدا در سعیر و سوم از درخشش یا ظهور کامل در فاران صحبت می‌کند!

#### دوم.

آنچه موسی بن میمون از داوران نقل می‌کند ارتباطی با تنبیه ۳:۳۳ ندارد و او باید مطابقت آن را نشان می‌داد؛ مطابقت باید به این شکل باشد اتفاقی که در سعیر رخ می‌دهد، نمایانگر ظهور جزئی خدا باشد و این اتفاق باید قبل از ظهور کامل در فاران باشد! همچنین از دیگر اشتباهات این تفسیر آن است که یهود این آیه را به دوران موسی و قبل از او ﷺ تفسیر کرده‌اند، در حالی که حقوق ﷺ که صدها سال بعد از موسی می‌آید با استفاده از فعل آینده نشان می‌دهد که کسی حداقل بعد از او از فاران خواهد آمد که دلایل آن در آینده تقدیم می‌شود.

در نتیجه تفسیر ابن‌میمون به روشنی تمام اشتباه و فریب‌کارانه است.

#### • تا اینجا

فعل‌های یک پیش‌گویی برخلاف

درباره اینکه او مخاطب کل آیه را به‌خاطر وجود عبارت «بر ایشان» بنی‌اسرائیل تفسیر می‌کند، می‌گوییم: مخاطب دعوت محمد ﷺ نه فقط بنی‌اسماعیل بلکه بنی‌اسرائیل نیز بود؛ [۳] در نتیجه عبارت (بر ایشان) حتی اگر بنی‌اسرائیل باشند، خللی در این موضوع ایجاد نمی‌کند که درخشش خدا از فاران در این آیه به محمد ﷺ - پیامبری از فرزندان اسماعیل ﷺ - اشاره دارد.

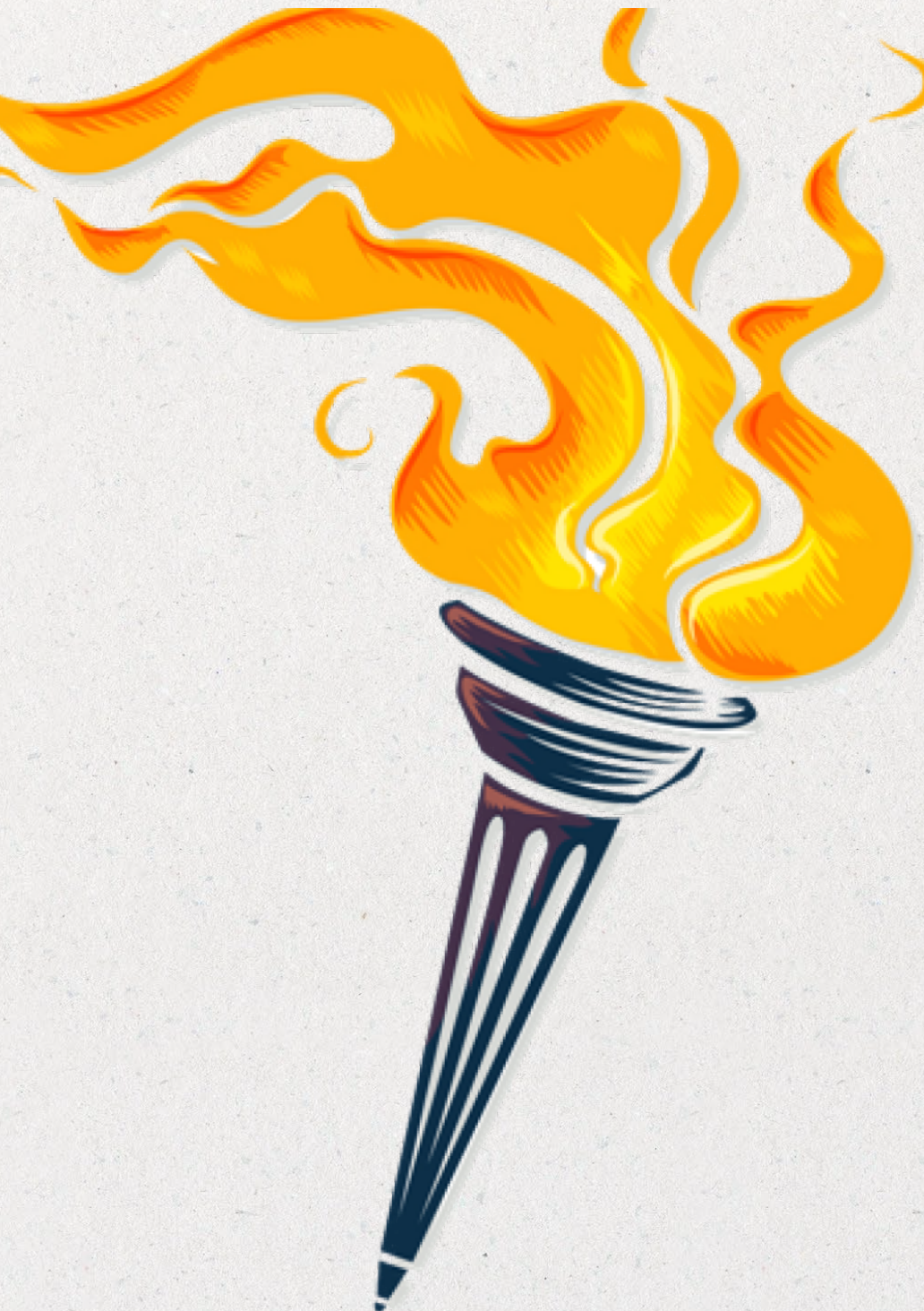
موضوع دیگر آن است که اندکی جلوتر می‌بینیم ابن‌میمون به گفته‌های بزرگان مذهبی یهود در خصوص این آیه اشاره می‌کند که مضمون آن این است پیامبری سوی رومیان می‌رود و تورات را تقدیم می‌کند و آنها نمی‌پذیرند و پیامبر دیگری سوی اعراب می‌رود و به همین صورت رد می‌شود و سپس موسی تورات را برای بنی‌اسرائیل می‌آورد و آن‌ها می‌پذیرند! بنابراین طبق این افسانه بزرگان مذهبی یهود، آیا عبارت (بر ایشان) نتوانست بر رومیان و اعراب تطبیق پیدا کند؟!

### ابن‌میمون در ادامه می‌گوید:

«همچنین توجه داشته باشید که چگونه کتاب مقدس درجه‌بندی‌های مختلف در شدت شکوه الهی را نشان می‌دهد. از نوری که از کوه فاران می‌درخشد و از سینا دورتر می‌شود صحبت می‌کند، اما از نوری که از کوه سعیر که به آن نزدیک‌تر است تابیده می‌شود و سرانجام از ظهور شکوه کامل خداوند در کوه سینا که هدف ظهور خدا به انسان بود همان‌طور که در آیه آمده است: «و جلال خدا در کوه سینا اقامت گزید» (خروج ۱۶:۲۴)، «و خداوند از سینا آمد» (تنبیه ۲:۳۳). به همین ترتیب، این ایده که نور به تدریج

# زنانِ مشعل‌دار در کوچه‌پس‌کوچه‌های تاریخ

به قلم: **مریم احمدیار**



هنگامی که برای دفاع از دین خدا عزمش را جزم می‌کند، هیچ مانعی نمی‌تواند «زن» را بازدارد تا مشعل دین را فروزان نگه دارد و قدم‌به‌قدم مردان خدا آن را از گذرگاه‌های تاریخ عبور دهد تا به سرمنز «نجات‌دهنده» برساند... آن زمان که خداوند تکلیف جهاد را از دوش زن برداشت، لحظه‌ای درنگ نکرد و پایه‌پای مردان خدا بار نبوت را بر دوش کشید... آنجاکه زن «عموره» می‌شود، اولین کسی که به نوح علیه السلام ایمان آورد و باوجود اسارت و شکنجه‌های بسیار اولین کسی بود که همراه نوح علیه السلام پا در کشتی نجات گذاشت؛ آنجاکه زن «یوکابد» می‌شود و بی‌هراس از تیغ‌های کودک‌گشی فرعونیان، دین خدا را آبستن می‌شود... و شفادهنده قلب‌ها «آسیه» می‌شود و در زیر بار شکنجه‌های ذی‌الأوتاد، نگاهش تا درب بهشت خدا امتداد می‌یابد؛ آنجاکه زن «صیانه» می‌شود و بوی خوش خاکسترش فرشتگان هفت آسمان را مست می‌کند... صیانه -آرایشگر دختران فرعون- که فرزندانش را بی‌رحمانه در آتش جهل سوزاندند و دم برنیاورد، زنی که در برهه‌ای از تاریخ خود و نوزاد در آغوشش تبدیل به آتش مشعل دین می‌شود...

(متشابهات، ج ۴، ص ۱۹۵).

۲- در عهد جدید مریم مجدلیه شاگرد مؤمن عیسی علیه السلام، شاهد رستاخیز او و یار و همراه صادق وفادار عیسی علیه السلام معرفی می‌شود. مریم مجدلیه نخستین رسول در سنت مسیحیت به شمار می‌آید، زیرا او نخستین کسی بود که عیسی را برخواسته از مرگ خودش را به وی نشان داد و از او خواست که این خبر را به شاگردان که از ترس جانشان گریخته بودند، ابلاغ کند. نکته مهم این است که در نوشته‌های عهد جدید هیچ مستندات مبنی بر گنهکار بودن مریم نمی‌توان یافت. اما از قرون وسطی به بعد او را با زنی گنهکار در اناجیل یکی می‌پندارند و از آن زمان به بعد حتی در فرهنگ عامه مسیحی نیز مریم مجدلیه به‌عنوان زن گناهکار و بدکاره معرفی می‌شود که سرانجام به عیسی علیه السلام ایمان آورد و بخشیده شد. (عبدی ولی، ایلخانی محمد، لاجوردی فاطمه. جایگاه مریم مجدلیه در آموزه‌های مسیحی یونانی قرون نخستین. پژوهش‌نامه ادیان [INTERNET]. ۱۴۰۱؛ ۱۶ (۳۱): ۱۴۴-۱۶۳.

AVAILABLE FROM



(  
۳- از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «ما حجت‌های خدا بر شماییم و مادر ما فاطمه علیها السلام حجت خدا بر ما (اهل بیت) است. (الاسرار الفاطمیه، محمد فاضل مسعودی).  
۴- این جمله منتسب به ناپلئون بناپارت است: «زنان با یک دست گهواره را تکان می‌دهند و با دست دیگر دنیا را.»

بخشودگی بشرکرد، زنی که ظرف دین و بهانه خلقت است و حجتی بر حجت‌های الهی می‌شود، [۳] زنی که نامش رمز عبور بهشت برین است؛ آنجاکه زن «زینب» می‌شود، زنی که با کمبری شکسته و قلبی پاره‌پاره پس از مصیبت عظیم عاشورا بسان امتی می‌گردد... زینب سرباز دین، مادر دین، علم‌دار دین و سخن‌گوی دین بود...

آنجاکه زن «نرجس» می‌شود، عروسی که بر کاخ پادشاهی پدرش پای نهاد تا عقدش را در ملکوت برپا کنند، شاه‌بانویی که برگزیده شد تا دین را مادری کند، دل‌داده‌ای که عشق و یقین او را از قصر پادشاهی در روم به قلب دین در عراق کشاند. «زن می‌تواند با یک دست گهواره و با دستی دیگر جهانی را به حرکت درآورد» [۴]، آنجاکه زن یا حجت الهی را می‌پروراند یا حجتی بر عالمیان می‌شود، آنجاکه زن بی‌توجه به نابرابری‌های جنسیتی، توهین‌های تاریخ به جنس او و تحریفات دل‌خراش علمای دین در حق او جان و مال و فرزند می‌دهد، اما دین را نمی‌دهد.

### منابع:

۱- سید احمد الحسن در کتاب «متشابهات» می‌نویسد: «یهودا به‌سراغ مرجع اعلای یهود رفت و بر سر تسلیم کردن عیسی علیه السلام به آنان، با او معامله نمود. پس از نیمه‌شب که حواریون خوابیدند و حضرت عیسی علیه السلام باقی ماند، خداوند او را مرفوع نمود (بالا برد) و شبیه او را که به دار آویخته و کشته شد، فروفرستاد. او سپر و فدایی عیسی علیه السلام شد و این شبیه، از اوصیا از آل محمد علیهم السلام است؛ او به‌خاطر قضیه امام مهدی علیه السلام مصلوب و کشته شد و عذاب را به جان خرید.»

آنجاکه زن «مریم» می‌شود و دست در دست روح‌القدس چرخ دین را به‌تنهایی می‌چرخاند و با تکیه بر نیروی «لا قوة الا بالله» مسیح علیه السلام را به جهانی هدیه می‌دهد، زنی که ضعف زایمان بر او غلبه نکرد و بی‌درنگ دین خدا را در آغوش کشید و به مصاف علمای بی‌عمل زمان خود رفت... هنگامی که عیسی علیه السلام دعا کرد «ای پدر! این جام رنج و زحمت را از مقابل من بردار...» مریم علیها السلام در کنار شبیه عیسی علیه السلام [۱] ماند و جام رنجی عظیم‌تر را در سکوت و تسلیم نوشید، آنجاکه روح مریم علیها السلام را صدها بار به صلیب می‌کشند...

آنجاکه زن «مریم مجدلیه» می‌شود و درست زمانی که حواریون مرد عیسی علیه السلام تاب تصلیب را ندارند، تا آخرین لحظه رفع عیسی علیه السلام همراه دین باقی می‌ماند. مریم مجدلیه اولین شاهد رستاخیز، وارث ملکوت نور، رسول عیسی علیه السلام و شاگردی که مشعل دین را از عیسی علیه السلام می‌گیرد و به حواریون می‌رساند، زنی پاک‌سرشت که عزتش را در کوچه‌پس‌کوچه‌های تاریخ لگدکوب کردند [۲]؛ آنجاکه زن «سمیه» می‌شود، پیرزنی که با وجود کهن‌سالی از قافله عشق عقب نمی‌ماند و پایه‌ای همسرش بهای بهشت ابدی را با سخت‌ترین شکنجه‌های ابوجهل می‌پردازد؛ آنجاکه زن بانوی پاک «خدیجه» می‌شود، زنی که میزبان نور وحی در خانه خود بود، تسلی‌دهنده قلب اشرف مخلوقات -محمد صلی الله علیه و آله و سلم- کسی که با جان و مال و فرزند و هرچه داشت در راه خدا به جهاد پرداخت... آنجاکه زن «فاطمه» می‌شود کلام از بیان ایثارگری‌هایش ناتوان می‌ماند؛ مادری مویه‌کنان که با خون دل و اشک چشم درخت دین را آبیاری کرد و نسلش را فدای سعادت و

# تأثیر پیش‌فرض‌های عرفی و خرافاتی در شکست امتحان شناخت فرستادگان خدا با تأکید بر راهزنی غلو در امام‌شناسی

## به قلم: سماء مرتضوی

### مقدمه

این روزها حال و روز ما به سان وزنه‌برداری است که سال‌ها تلاش کرده تا به مسابقات المپیک راه پیدا کند، ولی در وسط راه رسیدن به مسابقه‌ای که مدت‌ها برای آن تلاش کرده شیفته گفته‌های دیگران شده و به بهانه رسیدن به محل برگزاری مسابقات، از شهر برگزاری مراسم دور شده و به تابلوها و نشانه‌های در طول مسیر دقت نمی‌کند و به‌طور کلی از راه اصلی منحرف شده است اما فکر می‌کند در مسیر است، آن هم در مسیری که تمام علائم به اشتباه بودن او شهادت می‌دهند، ولی چشم‌هایش را می‌بندد و با سرعت می‌رود و بعد از مدت‌ها خود را در آزمون شکست‌خورده و از مسابقه اصلی جامانده می‌یابد. این است حکایت مردمانی که به بهانه زودتر رسیدن به راه مستقیم به تمام علائم پشت می‌کنند و با قدم گذاشتن در مسیر انحراف عقیدتی و فکری، خود را از امام معصوم دور می‌یابند.

ابوهاشم جعفری می‌گوید: از حضرت رضا (ع) درباره غلوکنندگان و مفوضه سؤال کردم؛ حضرتش چنین پاسخ دادند: «غلوکنندگان کافر و مفوضه مشرک‌اند؛ هم‌نشینی، اختلاط نمودن، اعتماد کردن، هم‌پایاله بودن، ارتباط داشتن، ازدواج کردن، پناه دادن، اطمینان نمودن، تأیید و کمک کردن به ایشان حتی به‌اندازه سرسوزنی موجب خروج از ولایت خداوند و رسولش و ولایت ما اهل بیت می‌گردد.» [۲]

از دیرباز تاکنون افرادی که خود را سینه‌چاک خلفای الهی می‌دانستند ولی پیرو نفس خود بودند، باورهای انحرافی را به‌زعم اینکه باور صحیحی است در خود تقویت و در جامعه القا می‌کردند؛ اعتقاداتی که با هیچ منطق و اندیشه‌ای موافقت نداشت.

**به‌جای باورهای رنگارنگ، همان‌گونه که در سوره بقره آمده است، رنگ الهی به خود بگیریم، و آن‌گونه بیندیشیم و معتقد باشیم که خدا می‌خواهد نه نفس‌هایمان!**

**(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ)** (بقره، ۱۳۸) [به یهود و نصاری بگویید: رنگ خدا را [که اسلام است انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش‌کنندگان اویسیم].

هر باور و اعتقادی که شما در ذهن خود دارید، اگر منشأ آن از شخص معصوم علیه السلام نباشد و مؤمن معتقد به آن باشد، آن قول و اعتقاد را اطاعت کرده و تسلیم او شده است و تسلیم در برابر غیرخدا و منسوبین او شرک است.

به‌گونه‌ای که شاید قابل باور نباشد در زمان رسول‌الله صلی الله علیه و آله افراد اندکی بودند که مؤمن به ایشان صلی الله علیه و آله بودند، ولی زمان خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که رسید از جهل خود در حق علی علیه السلام اغراق کردند و او را لاهوت مطلق خواندند، اعتقادی که منتسب به دین نبود و تصدیق ساده‌لوحانی بود که خود را عالم می‌دانستند و همین باور سبب کفرشان شد.

همان‌طور که می‌دانید غلو یعنی افراط در مسئله‌ای، چنان‌که در لسان العرب این‌منظور این‌چنین تعریف شده است:

«غلو تجاوز کردن از حد و اندازه است، یا خارج شدن از حد اعتدال را غلو گویند.» [۱]

شنیده‌ایم که «خیر الامور اوسطها» «بهترین امور، میانه آن است» و اهل بیت علیهم السلام مصداق تمام و کمال این روایت هستند. هرچند برخی از آقایان بعد از ذکر این عبارت سراغ سند آن می‌روند به آن‌ها می‌گویم اصل را بگیرید، آیا هیچ از اعتدال‌ورزی در کلام آل محمد صلی الله علیه و آله نشنیده‌اید، بگذریم...

دانستیم یک باور، انسان را این‌گونه از سر به زین می‌کشد!

یکی از مسائل مهمی که سبب دور شدن محبین اهل بیت علیهم السلام و حتی مردم از دین خدا می‌شود، تفکرات و باورهایی است که ریشه‌ای در دین حقیقی ندارد ولی نزد اندیشمندان و متفکران و منتقدان بادقت بررسی می‌شود و آن را سببی بر دور شدن خود از دین خدا معرفی می‌کنند.

یکی از این تفکرات «**عقاید غلوآمیز درباره ویژگی‌های امام معصوم**» است به‌طوری که شاید در وهله اول فرد متوجه این مسئله نباشد که با عقایدش در حق امام معصوم غلو می‌کند و خود را از اهل بیت علیهم السلام دور کرده و مورد لعن و بغض ایشان قرار می‌گیرد.

در این مقاله سؤالات زیر را بررسی می‌کنیم:

نقش باورهای هر انسان در شناخت صحیح دین خدا چیست؟

نتایج بی‌توجهی به منشأ باورهای دینی چه بوده است؟

آیا در قرن ۲۱ از سوی افرادی که خود را پیرو امامان علیهم السلام می‌دانند غلوی صورت می‌گیرد؟

### **باورهای رنگارنگ**

باورهای انسان نقش مهمی در نجات و خسران او دارد. باورها همچون زیربنای یک ساختمان عمل می‌کنند؛ زیربنایی که اگر با اصول دینی محکم و استوار نشود، «تا ثریا می‌رود دیوار کج»!



## شعار غلوگران، عدم نفاق در جهل!

انسان و چه غیر انسان - دارای شعور و ادراک هستند که البته با توجه به استعدادها و قابلیت‌هایی که از طرف خدا به آنها داده شده، این شعور و ادراک دارای درجات متفاوتی است.

لذا تمام موجودات، خدا را تسبیح کرده و در مسیری که خدا برای آنان تعیین کرده، حرکت می‌کنند، اما برخی از امور مانند آنچه در پریش مطرح شده، از آنان خواسته نشده تا بدان عمل کنند. با توجه به این، یک انسان مؤمن و باتقوا نیز مانند انسان گناهکار بعد از مرگ، طعمه کرم‌ها و دیگر حشرات و جانوران می‌شود و این مطلب مطابق مقتضای طبیعتی است که خدا آن حشرات و جانوران را بر همان اساس خلق کرده است.

البته ممکن است در موارد نادری به حالت اعجاز‌آمیز، این موجودات - با فرمان پروردگار - فراتر از تکلیف خود عمل کرده و به‌عنوان نمونه به بدن گروهی از پرهیزکاران آسیبی نرسانند.

پیامبر ﷺ فرمود: «گوشت اولاد من بر حیوانات درنده حرام شده است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا خداوند استخوان‌های ما را بر زمین حرام گردانیده، و گوشت‌های بدن ما را بر کرم حرام ساخته است تا چیزی از آن نخورند.»

اما این بدان معنا نیست که آن حیواناتی که بر مقتضای طبیعت خود رفتار می‌کنند، برخلاف دستور خدا عمل کرده باشند.» [۳]

این سایت در پاسخ به این سؤال می‌نویسد: «یک انسان مؤمن و باتقوا نیز مانند انسان گناهکار بعد از مرگ، طعمه کرم‌ها و دیگر حشرات و جانوران می‌شود و این مطلب مطابق مقتضای طبیعتی است که خدا آن حشرات و جانوران را بر همان اساس خلق کرده است.»

البته ممکن است در موارد نادری به حالت اعجاز‌آمیز، این موجودات - با فرمان پروردگار - فراتر از تکلیف خود عمل کرده و به‌عنوان نمونه به بدن گروهی از پرهیزکاران آسیبی نرسانند.»

مقتضای طبیعی حیوانات است که به سراغ اجساد بروند چه اجساد مؤمنین و چه دیگران، اما درباره معصومین به‌صورت اعجاز‌گونه قاعده تغییر می‌کند و حیوانات فراتر از تکلیف خود عمل می‌کنند.

غلوگران در جهل و نادانی خود در باطن و ظاهر نفاقی ندارند؛ زیرا از جهل ابایی ندارند! مؤسسه فرهنگی رواق حکمت که سایت اسلام کوئست، از سایت‌های فعال در زمینه پاسخ‌گویی به سؤالات عقیدتی مردم زیرمجموعه آن است در معرفی سایت این‌طور می‌نویسد:

«قال الله الحكيم: (فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون) (از اهل ذکر (و عالمان دینی) پرسید، اگر نمی‌دانید) (سوره نحل، آیه ۴۳ و سوره انبیا، آیه ۷)... مؤسسه فرهنگی رواق حکمت با این انگیزه شکل گرفت تا بتواند بخشی از نیازهای مبهم و اقناع‌نشده فرهنگی، پژوهشی و آموزشی را در حوزه اندیشه دینی برآورده سازد و هرگز محدودیت امکانات مانع ادامه فعالیت‌های آن نشده، هرچند از سرعت و گسترش آن کاسته است... تلاش مؤسسه در پاسخ‌گویی همیشه در این راستا بوده است که پاسخ‌های محققین تا حد امکان از جامعیت و مستوایی از اعتبار علمی برخوردار باشد که بتوان آن را نظر و پاسخ اسلام شمرد.»

این مؤسسه فرهنگی ادعا دارد پاسخ‌هایی که ارائه می‌کند بر مبنای پاسخ علمی و نظر اسلام است. کلامشان را دوباره تکرار می‌کنم تا با تأکید بر این عبارات، خواننده تکلیف خود را با اسلامی که معرفی می‌کنند مشخص کند!

«تلاش مؤسسه در پاسخ‌گویی همیشه در این راستا بوده است که پاسخ‌های محققین تا حد امکان از جامعیت و مستوایی از اعتبار علمی برخوردار باشد که بتوان آن را نظر و پاسخ اسلام شمرد.»

پرسش و پاسخی که در سایت اسلام کوئست ثبت شده است را عیناً ذکر می‌کنم:

«پرسش: با توجه به اینکه همه موجودات خداوند متعال را تسبیح می‌کنند و شعور متناسب با خود را دارند، چطور خانه خدا را که مقدس‌ترین مکان روی زمین است تشخیص نمی‌دهند و فضله خود را روی آن می‌اندازند؟ درحالی‌که حجت خدا را می‌شناسند و به او احترام می‌گذارند، مانند (داستان حضرت سلیمان و داستان قفس شیر و امام جواد)؟ اما خانه خدا را نشناسند؟

پاسخ اجمالی: از نظر قرآن کریم و براساس مبانی فلسفه و عرفان، تمام موجودات - چه



اسب حیوانی اهلی است. پس سزاوارتر است که درندگان از جسمش بخورند. دشمنان حسین علیه السلام نیز قصد انجام دادن این کار را داشتند. اینکه جسد او با اسب لگدمال شود تا برای افراد سفیهی که از آنان پیروی می کنند، بیان نمایند که حسین جزو خلفای خداوند نیست و نزد خداوند احترامی ندارد. اگر احترامی داشت، خداوند از این جلوگیری می کرد که اسبها سینه او و جسد مبارکش را لگدکوب کنند. نگاه کنید چگونه قاعده آنان برای انکار خلیفه خداوند، همان قاعده این بی خردان است که قائل به این عقیده فاسد و منحرفانه است. [۵]

امام حسین علیه السلام پیش از شهادتشان بیان می کنند:

«گویا گرگ های حریص دشت های نوایس و کربلا را می بینم که بند بند جسم را از هم گسسته، شکمبه های تهی و مشک های خالی خود را از آن انباشته کنند. از آنچه با قلم تقدیر الهی رقم خورده، گریزی نیست.» [۶]

آیا امام حسین علیه السلام سخن جدشان را نمی دانست که گرگ ها بر ایشان حمله نمی کند؟!

آیا امام حسین علیه السلام نمی دانست که معجزه ای رخ می دهد و از گرگ ها در امان می ماند تا این بی خردان با این غلو خود این گونه اجازه دشمنی با ایشان علیه السلام را ندهند؟

چگونه از کلام امام حسین علیه السلام بگذریم، وقتی کلام زینب کبری علیها السلام هم آن را تأیید می کند، زینبی که تمام مصائب را به چشم دید و از غصه های او بود، در مقتل لهوف چنین آمده است:

«... این دست ها به خون ما آلوده است و این دهان ها برای خوردن گوشت ما به آب افتاده است؛ و درندگان بیابان سهم خود را از آن بدن های پاک و پاکیزه می برند...»

درندگان بیابان حمله می کنند و جسارت می کنند.

آری، مصیبت امام حسین علیه السلام آن قدر عظیم است که برای کاهش دردهای آن، افراط گران یا نادانان در حق اهل بیت علیهم السلام دشمنی های دشمنان را تقلیل داده و خود را عالیم می نامند و پاسخ خود را به دین خدا منتسب می کنند در حالی که سخن گویان دین کلام آنان را رد می کنند و چنین پاسخی غم های فراوانی بر قلب و روح مسلمانان واقعی می نهد.

این آیه مبارک را به یاد داشته باشیم، خلفای خدا در ظاهر خلقت شبیه ما هستند، ولی از بُعد معرفتی و روحانی چنان ارتقا پیدا کردند که فاصله و تفاوت ما با آنان ملموس است. خداوند متعال می فرماید:

**(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)** [۷] (بگو من هم مثل شما

## آخر نمی دانم این تبصره ها را از کجا بیان می کنند؟

فرض کنید فردی مسلمان نیست و برای شناخت اسلام، تاریخ اسلام در زمان امام حسین علیه السلام را بی طرفانه بخواند و ببیند که در منابع مختلفی بیان شده است حیوانات از روی پیکر مطهر امام حسین علیه السلام رد شدند و گرگ های بیابان به آن جسدهای مطهر حمله کردند، [۴] آنگاه با این تناقضات چه می کند؟

می گویند: «البته ممکن است در موارد نادری به حالت اعجاز آمیز، این موجودات... به بدن گروهی از پرهیزکاران آسیبی نرسانند.»

آیا وقتی این افراد بگویند حسین علیه السلام از خلفای خدا نیست و امام معصوم نیست، و حتی بدتر از آن حسین علیه السلام که خاک بر دهانم اصلاً پرهیزکار نبوده که حیوانات به جسم مطهرش حمله کردند؛ زیرا فکر می کنند همان طور که برای شناخت فرستاده خدا باید ظاهر او را تأیید کنند، حیوانات هم از روی ظاهر متوجه خواهند شد حسین! حسین پسر فاطمه علیها السلام است! و به او حمله نمی کنند! و این محققین با خود می گویند پس به این دلیل که حسین بن علی علیه السلام دارای آن ویژگی هایی که خلیفه خداوند در زمین دارد، نیست و اتفاقاً از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم نیست، چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته بود جسم اولاد مطهرشان در معرض حیوانات قرار نمی گیرد، چگونه این ظلم در ساحت اهل بیت علیهم السلام را توجیه می کنند؟ آیا غربت اهل بیت علیهم السلام کافی نیست؟

## بر کدام حسین علیه السلام می گریید؟

اما راجع به اینکه در روز عاشورا اسبها به امام مظلوم ما حمله کردند، سید احمد الحسن علیه السلام می گوید:

«اسبها، سینه حسین علیه السلام را لگدکوب کردند در حالی که





بشری هستیم و [لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در بندگی پروردگارش شریک نسازد).

همچنین در آیه دیگری خداوند سبحان تأکید می‌کند که خلفای الهی مانند شما در این عالم ماده زندگی می‌کنند، تفاوت در بُعد معنوی است نه جسمانی!

**(وَقَالُوا مَالٌ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ  
الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا  
أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا)**  
[۸] (وگفتند: این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده که همراه او بیم‌دهنده باشد؟).

آن قدر حجت‌های خدا را از عالم مادی و شرایط ناگزیر آن جدا می‌کنند که مردم هر زمان تصورات هالیوودی از فرستاده‌های خدا دارند: چرا در بازار راه می‌رود؟! چرا غذا می‌خورد؟! چرا گرگ‌های بیابان جسد او را می‌خورند؟! چرا فرشته‌ای در کنارش نمی‌بینیم!

خلیفه خدا آن قدر عزت و عظمت دارد که این عقاید بی‌دلیل و برهان‌های پوشالی و مخالف ثقلین، فقط مردم را از ایشان دور می‌کند. اثبات عظمت امام حسین علیه السلام راحت است، چراکه آزاداندیشان هم بر این امر از مسلمان و غیرمسلمان شهادت می‌دهند. اثبات مصیبت‌های امام حسین علیه السلام و دردهایی که در راه دین خدا برای برپایی حکومت الهی به دوش کشیدند زیبا نیست! چطور زیبا باشد درحالی که جهل امت و باورهای غلطشان سر حسین علیه السلام را بر بالای نیزه برد و بدن علی اکبر علیه السلام را قطعه‌قطعه کرد. چه کسی فکرش را می‌کرد یک باور و تکیه بر آن، او را این‌چنین لعین آسمان

و زمین کند.

اما اینکه امام مظلوممان را بعد از شهادت بار دگر مظلوم کنیم و فرصت بیان خزعلات یاوه‌گویان را بدهیم تا ایشان و شیعیانشان را آزار دهند در مرام شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیست. با غم و غصه از مصیبتش می‌نویسم و اجازه نمی‌دهم ایشان را با روایات متشابه انکارکنند. والسلام علی من اتبع الهدی

### منابع:

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان عرب، ج ۱۵، ص ۱۳۳.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۷۳.
۳. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa۹۵۹۸۲>
۴. اللهوف فی قتلی الطفوف، ابن‌طاووس، ص ۳۸؛ کشف الغمّة فی معرفة الائمة، اربلی، ج ۲، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۶۶ و ۳۹۷.
۵. همان.
۶. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۶۹.
۷. کشف، ۱۱۰.
۸. فرقان، ۷.





# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.